



Identifying the Security Components of the Grassroots in Iraq : A Case study of Hashad al-Shaabi

Hussein Roozbeh^{1*} | Ahmad Zarean² | Hadi Aghaei³

Abstract

Al-Hashdal al-Shaabi in Iraq is one of the institutions established by the Iraqi Supreme Authority at a critical historical juncture, inspired by the Basij Organization of Iran, to counter the harsh threat posed by ISIS. Hashad al-Shaabi is an institution that has dual dimensions and six components of basic public security. In addition to bringing the people to the forefront as agents of repelling threats and producing security, it has also defined the issue and source of security in accordance with the will of the Iraqi people. It has also been able to effectively counter the threat posed by ISIS and to do its job well in defending the holy sites, the people and the sovereignty of Iraq. Using a library method for data collection and a descriptive-analytical method for analyzing the findings, this article first enumerates the dimensions and components of "basic people security" and then examines the situation of Hashad al-Shaabi in compliance or non-compliance with these dimensions and components. In the people-based security approach, people are considered the center of security in such a way that people are both the exploiter (reference) of security and the agent of security. People's security is closely linked to social capital and identity. The findings of the article show that in grassroots security, people become the main agents of security production and government security agencies can use this huge capacity to minimize threats while maintaining security at the desired level. The security of grassroots people has two dimensions: "social capital"

Keywords: Governance; security of the basic people; authority; Hashad al-Shaabi; Iraq.

1. Corresponding author: Assistant Professor, Institute of International Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran
Drhosseinroozbeh@chmail.ir
2. Assistant Professor, Research Institute of International Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran
3. Doctoral student of regional studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran

DOR: 20.1001.1.10255087.1401.31.1.2.9





مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۵
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۲/۲۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۹
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۲۷

شاپا چاپی: ۱۰۲۵-۵۰۸۷
الکترونیکی: ۲۶۵۴-۴۹۷۱



شناسایی مؤلفه‌های امنیت مردم‌پایه در عراق (مطالعه موردی حشدالشعبی)

حسین روزبه^۱ | احمد زارعان^۲ | هادی آقایی^۳

چکیده

حشدالشعبی عراق یکی از نهادهایی است که با الهام‌گرفتن از سازمان بسیج ایران، در یک مقطع تاریخی حساس به فرمان مرجعیت عالی عراق و برای مقابله با تهدید سخت داعش تأسیس شده است. حشدالشعبی نهادی است که واجد ابعاد دوگانه و مؤلفه‌های شش‌گانه امنیت مردم‌پایه می‌باشد. این نهاد علاوه بر اینکه مردم را به‌عنوان کارگزاران دفع تهدید و تولید امنیت به میدان آورده است، موضوع و مرجع امنیت را نیز متناسب با خواست و اراده مردم عراق تعریف کرده است. هم‌چنین توانسته است به‌طور مؤثری با تهدید داعش مقابله نموده و کارویژه‌های خود را در دفاع از اماکن مقدسه، مردم و حاکمیت عراق به‌خوبی به انجام برساند. این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری داده‌ها و روش توصیفی - تحلیلی برای تحلیل یافته‌ها، ابتدا ابعاد و مؤلفه‌های «امنیت مردم‌پایه» را احصا نموده و در ادامه، وضعیت حشدالشعبی را در انطباق یا عدم انطباق با این ابعاد و مؤلفه‌ها بررسی کرده است. در رویکرد امنیت مردم‌پایه، مردم محور امنیت محسوب می‌شوند به‌گونه‌ای که مردم هم بهره‌بردار (مرجع) امنیت هستند و هم کارگزار تأمین امنیت. امنیت مردم‌پایه ارتباط وثیقی با سرمایه اجتماعی و هویت دارد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که در امنیت مردم‌پایه، مردم به اصلی‌ترین کارگزاران تولید امنیت تبدیل می‌شوند و دستگاه‌های امنیتی دولتی می‌توانند با استفاده از این ظرفیت عظیم، ضمن به حداقل رساندن تهدیدات، امنیت را در سطح مطلوبی برقرار کنند. امنیت مردم‌پایه دو بعد «سرمایه اجتماعی» و «هویت اجتماعی» دارد. بعد سرمایه اجتماعی چهار مؤلفه «هنجارها و ارزش‌ها»، «شبکه‌ها»، «اعتمادپایه» و «مشارکت‌پایه» است. هم‌چنین بعد هویت اجتماعی نیز دو مؤلفه «هویت‌پایه» و «غیریت‌پایه» دارد..

کلیدواژه‌ها: حکمرانی؛ امنیت مردم‌پایه؛ مرجعیت؛ حشدالشعبی؛ عراق.

۱. نویسنده مسئول: استادیار، پژوهشکده مطالعات بین الملل، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

Drhosseinrozbeh@chmail.ir

۲. استادیار، پژوهشکده مطالعات بین الملل، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

DOR: 20.1001.1.10255087.1401.31.1.2.9



نویسندگان ©

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین کارکردهای نظام‌های سیاسی، تحقق امنیت است. به عبارت دیگر، یکی از شاخص‌هایی که کارآمدی یا ناکارآمدی دولت‌ها با آن مورد سنجش قرار می‌گیرد، توفیق دولت‌ها در تأمین حد قابل قبولی از امنیت است. از آنجا که میزان مشروعیت دولت‌ها به‌طور مستقیم از میزان کارآمدی آن‌ها تأثیر می‌پذیرد، ناکارآمدی دولت در دفع تهدید و تولید امنیت باعث استهلاک مشروعیت آن خواهد شد. دولت‌ها برای اثبات کارآمدی و تقویت پایه‌های مشروعیت‌شان و هم‌چنین تقویت حاکمیت ملی و نیفتادن در ورطه فروماندگی و ورشکستگی، ناگزیرند تهدیدات را به‌صورت مؤثر دفع کرده و امنیت را در عالی‌ترین سطوح محقق کنند. بر این اساس، دولت‌ها از انواع روش‌ها و از طیف متنوعی از بازیگران برای دفع تهدید و تحقق امنیت استفاده می‌کنند. امنیت مردم‌پایه، یکی از شیوه‌های تأمین امنیت است که در آن، مردم اصلی‌ترین کارگزار تأمین امنیت به‌شمار می‌روند. در امنیت مردم‌پایه، عامل اصلی دفع تهدیدات و تولید امنیت، مردم هستند و به‌دلیل نقش آفرینی مردم، هزینه دفع تهدید و تولید امنیت کاهش می‌یابد. گروه‌های مقاومت که کم و بیش نهادهایی مردمی محسوب می‌شوند را می‌توان کارگزاران نوظهور در عرصه دفع تهدیدات و تولید امنیت در نظر گرفت. نهاد بسیج را که در بدو پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل شد، می‌توان یکی از تجارب موفق و ارزشمند مردمی کردن امنیت تلقی کرد که توانسته است با کمک شبکه گسترده و فراگیری از مردم، تهدیدات ضدانقلاب داخلی و دشمنان خارجی را به‌طور مؤثری دفع کند. توفیقات بسیج در تولید امنیت، به عرصه سخت محدود نشد و این نهاد انقلابی توانست در عرصه نیمه‌سخت و نرم نیز، دستاوردهای بزرگی در دفع تهدیدات و تولید امنیت به‌دست آورد. هم‌زمان با صدور گفتمان انقلاب اسلامی، ایده و فرهنگ بسیج نیز صادر و نهادهایی مشابه بسیج در برخی از کشورها تأسیس شد. حزب‌الله لبنان، حماس، جهاد اسلامی، انصارالله و حشدالشعبی، نهادهایی هستند که با الهام گرفتن از سازمان بسیج ایران و ضرورت‌های بافت اجتماعی عراق، تأسیس شدند. این نهادها از یک‌سو به‌دلیل ماهیت مردمی‌شان و از سوی دیگر به‌دلیل آنکه مرجع و موضوع امنیت را براساس منافع و مصالح مردم و نه براساس

منافع اشخاص، احزاب، جریان‌ها، دولت‌ها و بازیگران خارجی تعیین کرده‌اند، توانسته‌اند ضمن مردمی کردن امنیت، به‌طور مؤثری با تهدیدات مقابله و به شیوه کارآمدی امنیت تولید کنند. این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری داده‌ها و روش توصیفی - تحلیلی برای تحلیل یافته‌ها به دنبال بررسی نقش نیروهای مقاومت در مردمی کردن امنیت است و در این راستا، حشدالشعبی (بسیج مردمی عراق) را به عنوان مورد مطالعه خود برگزیده است. در این مقاله ابتدا ابعاد و مؤلفه‌های امنیت مردم‌پایه شناسایی و در ادامه، وضعیت حشدالشعبی با این ابعاد و مؤلفه‌ها انطباق داده خواهد شد.

مبانی نظری

۱- امنیت مردم‌پایه

امنیت^۱ از مفاهیم و اهداف عمده در شریعت و نظام اسلامی محسوب می‌شود. در اسلام، مبنا و غایت امنیت، توحیدی است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۴: ۱۰۶). مفهوم امنیت در سیر تطور و توسعه خود، به‌عنوان موضوع مورد بررسی حوزه‌های بیشتری از علوم مدنظر قرار گرفته و هر یک از علوم مختلف، بسته به موضوعات مورد بررسی خود، بُعدی از ابعاد را کانون توجه خود قرار داده و به آن پرداخته‌اند. امنیت برحسب موضوع می‌تواند به اقسام مختلف چون امنیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی و غیره تقسیم شود. مکتب کپنهاگ امنیت را برحسب مرجع و نوع تهدیدات وجودی به امنیت فردی، ملی و بین‌المللی تقسیم کرده است (European politics, 2002: 67-72). هم‌چنین مفهوم امنیت به‌لحاظ شناسایی مصادیق خود، در طول زمان دچار تحول شده است. این تحول مفهومی عمدتاً به دلیل ابهام ذاتی موجود در واژه امنیت به وجود آمده است. درحالی که در سال‌های پیش از ۱۹۹۰، واژه امنیت با مفهوم «امنیت ملی» پیوند خورده بود، بعد از آن، مفهوم «امنیت مشترک» بیشتر مورد توجه و تأکید قرار گرفت. هم‌چنین مفهوم «امنیت انسانی» نیز به‌عنوان بدیلی برای «امنیت مادی» یا «امنیت سخت‌افزاری» مطرح شد (مک‌سویینی، ۱۳۹۰: ۱۴۸-۱۴۷).

1. Security

در تعریف مقوله امنیت باید به عوامل عینی و ذهنی به صورت توأمان توجه کرد. «فقدان تهدید یا به حداقل رساندن آن» در چارچوب عامل عینی و «ایجاد احساس ظهور این عامل عینی در جامعه» به عنوان عامل ذهنی در نظر گرفته می‌شود. عامل ذهنی نقش مهمی در تحقق امنیت دارد؛ زیرا توهم و تصور ناامنی، ناامن‌ترین شرایط را برای انسان در پی خواهد داشت و این‌گونه، حتی در صورت نبود هر تهدیدی، امنیت محقق نخواهد شد (اسماعیلی، ۱۳۷۹: ۸۳۶).

از امنیت دو نوع تعریف ایجابی و سلبی ارائه می‌شود. براساس تعریفی ساده از امنیت که از گفتمان سلبی حاصل می‌شود، امنیت عبارت است از «وضعیتی که منافع حیاتی یک کنش‌گر یا بازیگر از سوی کنش‌گران یا بازیگران دیگر در معرض تهدید نباشد یا در صورت وجود تهدید احتمالی، کنش‌گر یا بازیگر، توانایی لازم برای دفع تهدید یا مدیریت را داشته باشد (آر.دی، ۱۳۸۹: ۱۲۲). در تعریف ایجابی از امنیت، کنش‌گران یا کارگزاران، با شناسایی دقیق و عمیق محیط داخلی و خارجی، راهبردهایی را برای تولید امنیت و پیشگیری از بروز تهدید اتخاذ می‌کنند (حبیب‌زاده ملکی، ۱۳۸۳: ۴۵). حدود و ثغور پارادایم‌های امنیتی براساس پاسخی که به چهار پرسش اصلی می‌دهند مشخص می‌شود:

- مرجع امنیت (امنیت چه کسی یا چه چیزی؟)؛
- موضوع امنیت (سخت، نیمه‌سخت یا نرم)؛
- روش ایجاد امنیت (سلبی، ایجابی، ترکیبی) و
- کارگزار ایجاد امنیت (بازیگران دولتی، غیردولتی یا بین‌المللی).

در حالی که در بسیاری از کشورها دولت، اصلی‌ترین عامل تولید امنیت است یا اینکه در برخی کشورها، بازیگران فراملی اعم از دولتی یا غیردولتی متکفل ایجاد امنیت هستند، در پارادایم امنیت مردم‌پایه، مردم به اصلی‌ترین کارگزاران ایجاد امنیت تبدیل می‌شوند و امنیت در پایین‌ترین سطوح و عمیق‌ترین لایه‌های اجتماعی تولید می‌شود بنابراین، براساس کارگزار تأمین امنیت، دو گانه دیگری در مطالعات امنیتی قابل شناسایی است: «امنیت رژیم‌پایه» و «امنیت مردم‌پایه». بین این دو مفهوم تمایز اساسی وجود دارد؛ در حالی که در «امنیت رژیم‌پایه» کارگزار تأمین امنیت، بازیگران دولتی و بین‌المللی هستند است، در «امنیت مردم‌پایه»، مردم و گروه‌های اجتماعی متولیان تأمین

امنیت به شمار می‌روند. امنیت مردم‌پایه نمونه‌ای از رویکرد نرم‌افزاری در حوزه تأمین امنیت است که بر اصول اساسی بسیج مردم و مشارکت فعال آن‌ها تأکید دارد (احمدی‌مقدم، ۱۳۹۵: ۵). در رویکرد امنیت مردم‌پایه، مردم محور امنیت محسوب می‌شوند، به گونه‌ای که مردم هم بهره‌بردار (مرجع) امنیت هستند و هم کارگزار تأمین امنیت. امنیت مردم‌پایه ارتباط وثیقی با سرمایه اجتماعی و هویت دارد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

الف) سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی را می‌توان مجموعه معینی از هنجارها و ارزش‌های غیررسمی، ارزش‌های فرهنگی، ملی و مذهبی از قبیل دل‌سوزی، نوع‌دوستی، انصاف، صداقت، اعتماد، همکاری مبتنی بر معیارهای مشترک، تعاون و بردباری یا اطلاعات، ایده‌ها، راهنمایی‌ها، فرصت‌های تجاری، حمایت عاطفی و همکاری دانست و کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی یک جامعه را شکل فرهنگ‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها و گرایش‌ها و تمایلات مثبت در نظر گرفت. سرمایه اجتماعی می‌تواند یک هنجار غیررسمی یا حتی یک نوع تفکر باشد. به عقیده پاتنام^۱، سرمایه اجتماعی «وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها است که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشند» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸). وی شبکه‌ها، هنجارها، اعتماد و مشارکت را، چهار مؤلفه اصلی سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند.

سرمایه اجتماعی موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک جامعه شده و در نهایت، منافع متقابل را تأمین کرده و باعث توسعه سیاسی و اجتماعی می‌شود. بن‌فاین^۲ سرمایه اجتماعی را انسجام درونی فرهنگی جامعه، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر تعاملات فی‌مابین مردم و نهادهایی می‌داند که این هنجارها و ارزش‌ها در آن تعبیه می‌شوند (فاین، ۱۳۸۵: ۵۴). فوکویاما هنجارهای مولد سرمایه اجتماعی را حاصل تکرار همکاری میان مردم می‌داند (تاج‌بخش، ۱۳۸۵: ۱۷۰). از نظر او، «این سرمایه موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تعاملات اجتماعی و اقتصادی و اقدامات مختلف می‌گردد» (کاووسی و طلوعی، ۱۳۸۶: ۱۵).

1. Putnam
2. Ben Fine

پیر بورديو، شبکه‌ها، هنجارها، اعتماد و مشارکت را، چهار مؤلفه اصلی سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند. از نظر او، سرمایه اجتماعی موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت، منافع متقابل را تأمین کرده و باعث توسعه سیاسی و اجتماعی می‌گردد. با عنایت به این تعاریف، چهار مؤلفه «اعتماد»، «مشارکت»، «هنجارها و ارزش‌ها» و «شبکه ارتباطات انسانی»، عناصر تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. در مورد سرمایه اجتماعی، دو قضیه اصلی وجود دارد:

قضیه یک: هر اندازه که سرمایه اجتماعی در گروه افزایش یابد، هزینه تعامل و همکاری کمتر و در نتیجه، عملکرد بهتر و دست‌یابی به اهداف بیشتر خواهد شد.

قضیه دو: هر اندازه که سرمایه اجتماعی در گروه کاهش یابد، هزینه تعامل و همکاری بیشتر و در نتیجه، عملکرد ضعیف‌تر و دست‌یابی به اهداف کمتر خواهد شد.

با جمع‌بندی نظرات ابراز شده می‌توان گفت سرمایه اجتماعی از مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها و ارزش‌ها تشکیل می‌شود که همکاری درون گروه‌ها و بین گروه‌ها را در جهت کسب منافع متقابل تسهیل می‌کند و این نوع از سرمایه، با نرخ مشارکت افراد در زندگی جمعی و وجود عامل اعتماد در بین آنان بیان می‌شود (Putnam, 2000: 18).

تحقیقات پاتنام در کشور ایتالیا مؤید آن است که سرمایه اجتماعی توانسته از بروز بسیاری از بحران‌ها جلوگیری یا در صورت وقوع، به مهار و مدیریت آن‌ها در کمترین زمان ممکن و با حداقل هزینه کمک کند. از این منظر، سرمایه اجتماعی، شامل آن دسته از ویژگی‌های یک جامعه یا گروه اجتماعی می‌شود که ظرفیت سازمان‌دهی جمعی و داوطلبانه را برای حل مشکلات متقابل یا مسائل عمومی افزایش می‌دهد و نقش سیاسی - امنیتی آن، در جلوگیری از بروز بحران در جامعه تبلور می‌یابد (تاج‌بخش، ۱۳۸۵: ۱۰).

ثبات سیاسی، با میزان سرمایه اجتماعی نظام سیاسی رابطه مستقیم دارد. به همین دلیل بن‌فاین از ضرورت توجه به ابعاد اجتماعی سرمایه اجتماعی سخن می‌گوید و مدعی می‌شود که بدون درک و سنجش سرمایه اجتماعی، نمی‌توان به الگوی مناسبی از اداره جامعه دست یافت (فاین، ۱۳۸۵). ضعف سرمایه اجتماعی به کاهش میزان نفوذ اقدامات دولت در مدیریت بحران منتهی

می‌شود؛ به عبارت دیگر، میزان اعتبار سرمایه اجتماعی با میزان کارآمدی نظام سیاسی رابطه مستقیمی دارد.

سرمایه اجتماعی، نقش بسزایی در نهادینه‌سازی رضایت‌مندی و تقویت ثبات سیاسی در جامعه دارد؛ یعنی سرمایه اجتماعی می‌تواند بر افزایش یا کاهش انتظارات شهروندان و درک صحیح آن‌ها از توانایی‌های دولت‌مردان در پاسخ‌گویی به این انتظارات مؤثر باشد، به گونه‌ای که چه‌بسا توان‌مندی‌های دولت‌اندک باشد؛ اما به دلیل اعتماد مردم، کارآمدی دولت افزایش یابد یا مردم با اعتماد به وعده‌های دولت‌مردان، به نفع ثبات اجتماعی، تأمین خواسته‌های خود را به آینده واگذارند. در هر صورت، سرمایه اجتماعی می‌تواند، ثبات را حفظ و تقویت کند.

ب) هویت اجتماعی

مفهوم «هویت»^۱ به مجموعه پدیده‌هایی اشاره می‌کند که در ایجاد تصویر از خویشتن در ذهن فرد مؤثر است. هویت پیش‌نیاز زیست‌اجتماعی انسان محسوب می‌شود و چارچوب‌هایی برای شباهت‌ها و تفاوت‌ها به وجود می‌آورد. دوام و بقای جامعه، مستلزم کنش ارتباطی است که به معناسازی و هویت‌سازی منجر می‌شود (گل‌محمدی، ۱۳۸۴: ۲۲). هویت هم در سطح فردی و هم در سطح جمعی معنا پیدا می‌کند بنابراین، می‌توان از هویت فردی و هویت جمعی سخن گفت. دو مفهوم «تمایز»^۲ و «دیگری»^۳ یا «غیریت» شالوده و بنیان مفهوم هویت را شکل می‌دهند (جوادی ارجمند و همکاران: ۱۳۹۳: ۱۵۲).

هویت به دو گونه فردی و جمعی نمود پیدا می‌کند. هویت‌های ملی، قومی و مذهبی از سنخ هویت جمعی هستند. هویت قومی بر مبنای وجود آگاهی از عضویت در قوم خاص و ارجاع به ریشه مشترک (نیای مشترک)، ویژگی‌های شخصیتی و فیزیکی مشترک، آداب و رسوم مشترک و غیره شکل می‌گیرد. با توجه به اینکه هویت ملی هویتی است که کلیت یک جامعه را دربرمی‌گیرد، هویت‌های قومی و مذهبی می‌توانند زیرمجموعه هویت ملی قرار گیرند. هویت ملی با ایجاد احساس تعلق و تعهد اعضای یک جامعه به رموز و نهادهای فرهنگی شامل ارزش‌ها،

1. Identity
2. Difference
3. Otherness

هنجارها، زبان، دین، ادبیات و تاریخ مشترک یک ملت که از سوی دولت حمایت می‌شوند، باعث ایجاد تمایز بین جوامع می‌شود (همان).

هویت پدیده‌ای چندسطحی و چندلایه است. عده‌ای آن را در سه سطح فردی، گروهی (قوم و قبیله و گروه) و ملی (تعلق فرد به یک کشور یا ملت) در نظر می‌گیرند و عده‌ای دیگر سطوح هویت را محلی (تعلق به یک فرهنگ خاص)، ملی و جهانی مشخص می‌کنند (دغاقله، ۱۳۸۶: ۵۱)؛ در حالی که منبع اصلی هویت در سطح نخبگان سیاسی حاکم، ایدئولوژی نظام سیاسی می‌باشد، در سطح جامعه منابع متعددی مانند قومیت، مذهب، جنسیت، طبقه، تاریخ، جغرافیا و غیره می‌توانند منبع تعریف هویت باشند. تعدد منابع هویتی الزاماً به معنای تعارض آن‌ها با یکدیگر نیست. یک «مرد کارگر سنی کرد ایرانی» هم‌زمان به پنج منبع هویتی تعلق دارد. در شرایط عادی تعلق افراد به هویت‌های مختلف امری طبیعی و عادی است؛ اما در زمان بروز بحران، اولویت‌بخشی به یک منبع هویتی، به مسأله اصلی تبدیل می‌شود؛ ایرانی بودن یا کرد بودن، سنی بودن یا شیعه بودن، مرد بودن یا زن بودن، کارگر بودن یا کارفرما بودن. در شرایط بحرانی، نخبگان حاکم ترجیح می‌دهند منبع هویتی مورد نظر آن‌ها بر سایر منابع هویتی غلبه پیدا کند؛ اما در مقابل، فعالان قومی و مذهبی بر منابع هویتی دیگری پافشاری می‌کنند.

در جامعه‌شناسی نسبت به فرایند هویت‌یابی دو پارادایم اساسی وجود دارد:

۱. ازل‌گرایی یا منشأ‌گرایی: این پارادایم، هویت را امری ثابت در نظر می‌گیرد که از طریق جامعه و ساختارهای آن به فرد منتسب می‌شود و تقریباً تا پایان عمر، غیر قابل تغییر باقی می‌ماند. براساس این پارادایم هویت‌ها منشأ طبیعی دارند و اساساً با احساسات و عواطف سر و کار دارند. عواملی مانند ویژگی‌های جسمانی (رنگ پوست، قد، نوع موی سر و غیره)، نام فرد یا گروه، مذهب، تاریخ و منشأ گروهی که فرد در آن به دنیا می‌آید، هویت جمعی را تعیین می‌کند.
۲. برساخت‌گرایی: در مقابل پارادایم منشأ‌گرایی، پارادایم برساخت‌گرایی قرار دارد. این پارادایم هویت را امری سیال و متغیر در نظر می‌گیرد که به‌طور مداوم در معرض تغییر قرار دارد. در پارادایم برساخت‌گرایی، هویت امری تاریخی و محتمل است و همانند بسیاری از پدیده‌های

دیگر، محصول زمان است. تاریخی بودن هویت و تغییر تعریف فرد از خویشتن بر تغییرپذیر بودن هویت دلالت دارد (گل محمدی، ۱۳۸۴: ۲۲۳). آنتونی گیدنز^۱ و پیترال برگر^۲ از نظریه پردازانی هستند که معتقدند هویت افراد در طول زندگی شان در ارتباط به شرایط و محیط اجتماعی، دچار تغییر و دگرگونی می شود. مانوئل کاستلز^۳ معتقد است برساخت هویت همواره در بستر روابط قدرت صورت می گیرد و بر این اساس، سه شکل و منشأ برای برساخت هویت قائل است:

۱. هویت مشروعیت بخش: این نوع هویت توسط نهادهای مسلط بر جامعه ایجاد می شود تا سلطه آنها را بر کنش گران اجتماعی گسترش دهد. این رویکرد با نظریه های رایج مربوط به ملی گرایی هم خوانی دارد.

۲. هویت مقاومت: این هویت از طریق کنش گرانی که توسط منطق سلطه یا نظام حاکم کنار گذاشته شده اند یا بی ارزش تلقی شده اند و داغ ننگ بر پیشانی آنها زده شده است، اتخاذ می شود. بر این اساس، گروه های اجتماعی محروم و اقلیت ها، سنگرهایی برای مقاومت و بقای هویتی بر مبنای اصول متفاوت یا متضاد خویش می سازند.

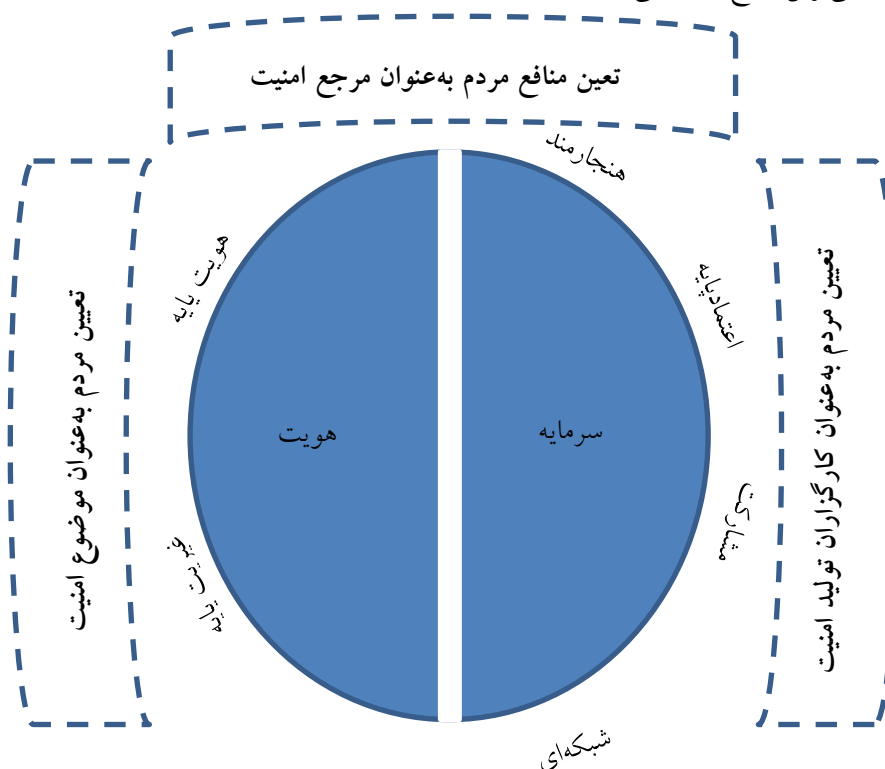
۳. هویت برنامه دار: هویت برنامه دار زمانی محقق می شود که کنش گران اجتماعی با استفاده از هر گونه موارد و مصالح فرهنگی قابل دسترس، هویت جدیدی می سازند که موقعیت آنان را در جامعه از نو تعریف کند. کنش گران از طریق برساخت هویت به صورت برنامه دار در پی تغییر شکل کل ساخت اجتماعی هستند (کاستلز، ۱۳۸۴: ۲۴).

ج) ابعاد و مؤلفه های امنیت مردم پایه

هویت مردم پایه، دو بعد سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی دارد. بر اساس این دو بُعد، امنیت مردم پایه، امنیتی هنجارمند، شبکه ای، مشارکت پایه، اعتماد پایه، هویت پایه و غیریت پایه است. امنیت مردم پایه حول مجموعه ای از ارزش ها و هنجارها شکل می گیرد. این ارزش ها و هنجارها حدود و ثغور مرجع، موضوع و غایت امنیت را مشخص می کنند و اعضای جامعه طی فرایند جامعه پذیری امنیتی، ضمن درونی کردن این ارزش ها و هنجارها، حول تحقق این ارزش ها و

1. Anthony Giddens
2. Peter L. Berger
3. Manuel Castells

هنجارها هم‌نظر و هم‌کنش می‌شوند. امنیت مردم‌پایه امنیتی شبکه‌ای است؛ یعنی برآیند و حاصل جمع کنش متقابل اعضای جامعه و فعالیت مجموعه اعضای شبکه امنیتی است. امنیت مردم‌پایه از طریق گسترده‌ترین شبکه امنیتی یعنی جامعه، تهدید را با مؤثرترین شکل ممکن دفع و امنیت را در عالی‌ترین سطح محقق می‌کند.



نمودار ۱. ابعاد و مؤلفه‌های امنیت مردم

امنیت مردم‌پایه بر پایه دو مؤلفه مهم سرمایه اجتماعی؛ یعنی اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی شکل می‌گیرد. امنیت مردم‌پایه نیازمند مشارکت مستقیم، مثبت و فعال مردم است. کاهش مشارکت اجتماعی، عملاً تحقق امنیت مردم‌پایه را دور از دسترس قرار می‌دهد. از سوی دیگر امنیت مردم‌پایه به حد قابل قبولی از اعتماد اجتماعی (اعتماد به غریبه‌ها) و اعتماد نهادی (اعتماد به نهادها و مؤسسات حکومتی) نیاز دارد. بی‌اعتمادی اجتماعی و بی‌اعتمادی مردم به

حکومت، علاوه بر اینکه دست‌یابی به توافق عمومی در مورد ارزش‌ها و هنجارها را غیرممکن می‌کند، مانع از ایجاد شبکه‌ای از تعامل و همکاری برای مبارزه با تهدید و تحقق امنیت می‌شود. هویت اجتماعی بُعد دیگری از امنیت مردم‌پایه است. در امنیت مردم‌پایه، هویت ویژه‌ای حول ارزش‌ها و هنجارهای به‌لحاظ اجتماعی پذیرفته شده و در میان باورمندان به این ارزش‌ها و هنجارها بر ساخته می‌شود و به این ترتیب، مرزهای گروه خودی شکل می‌گیرد. علاوه بر این از طریق غیریت‌سازی، ضمن عینیت یافتن گروه غیر خودی، مرزهای بین خودی و غیر خودی برجسته می‌شود و به این ترتیب، تهدید در چارچوب این مرزها شناسایی و دفع می‌شود.

جدول ۱. ابعاد و مؤلفه‌های امنیت مردم‌پایه

توضیح	مؤلفه‌ها	ابعاد	ابعاد امنیت مردم‌پایه
بر اساس نظام ویژه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها که مرجع و موضوع و غایت امنیت را تعیین می‌کند، شکل می‌گیرد.	هنجارمند	سرمایه اجتماعی	
مستلزم وجود شبکه‌ای از روابط اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی است.	شبکه‌ای		
به مشارکت تعداد قابل توجهی از مردم نیازمند است.	مشارکت‌پایه		
به حد قابل قبولی از اعتماد اجتماعی (اعتماد به غریبه‌ها) و اعتماد نهادی (اعتماد به نهادها) نیاز دارد.	اعتماد‌پایه	هویت اجتماعی	
از طریق هویت‌یابی امنیتی و شکل‌گیری گروه خودی تعیین پیدا می‌کند.	هویت‌پایه		
از طریق غیریت‌سازی امنیتی و مرزبندی با غیر خودی‌ها استحکام می‌یابد.	غیریت‌پایه		

۲- روش تحقیق

در این مقاله، منطق تحقیق حاکم بر رهیافت فلسفی واقع‌گرایی علمی، مبنای پاسخ به سؤال تحقیق قرار گرفته است. اصل حاکم بر رهیافت واقع‌گرایی علمی این است که پدیده‌ها به‌طور اجتماعی توسط کنش‌گران اجتماعی بر ساخته می‌شوند. هم‌چنین پدیده‌ها محصول ساختارهای اجتماعی غیر قابل مشاهده در نظر گرفته می‌شوند. بر این اساس، هدف علم واقع‌گرا، تبیین پدیده‌های قابل مشاهده با ارجاع به ساختارها و مکانیسم‌های زیربنایی (قوانین) می‌باشد. معرفت‌شناسی واقع‌گرایانه بر ساختن مدل‌هایی از مکانیسم‌های مذکور استوار است که اگر این

مکانیسم‌ها موجود باشند و به طریق موردانتظار عمل کنند، پدیده‌ها براساس این مکانیسم‌ها قابل توضیح خواهند بود (بلیکی، ۱۳۹۳: ۱۳۴ تا ۱۴۶).

در تحقیقات علمی، جمع‌آوری اطلاعات یکی از مهم‌ترین مراحل پژوهش است و باید اطلاعات مورد نیاز که اتکای عقلانی، اسنادی، میدانی و صوری داشته باشند را از طریق ابزارها و تکنیک‌های سودمندی گردآوری کرد (ساروخانی، ۱۳۹۲: ۱۷۱). مشاهده مستقیم، مصاحبه و استفاده از اسناد و مدارک (دیداری، گفتاری و نوشتاری)، از ابزارهای گردآوری داده‌های کیفی می‌باشند (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۹: ۲۹۸-۲۹۷). در این مقاله برای پاسخ به سؤال تحقیق، از روش اکتشافی، برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و برای تحلیل یافته‌ها از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. با توجه به ماهیت داده‌ها و ابزار گردآوری آن‌ها، این مقاله در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد.

۳- ظهور و صعود حشدالشعبی

داعش در واپسین ساعات شب ۹ ژوئن ۲۰۱۴ (۲۰ خرداد ۱۳۹۳) از مرکز تجمع و استقرار خود در سوریه به عراق حمله کرد و با تصرف برق‌آسای سه استان سنی‌نشین و نفوذ به سایر استان‌ها، امنیت پایتخت، مراکز حساس و حیاتی و اماکن مذهبی عراق را با تهدید جدی مواجه کرد. در پی تهاجم داعش، مرجعیت عراق در اقدامی به موقع فرمان جهاد کفایی صادر کردند و از نیروهای مردمی خواستند برای کمک به نیروهای نظامی و امنیتی در دفع تهدید داعش، بسیج شوند. شیخ عبدالمهدی کربلایی، نماینده آیت‌الله سیستانی مرجع عالیقدر شیعیان عراق در خطبه‌های نماز جمعه ۲۳ تیرماه ۱۳۹۳ در مرقده مطهر امام حسین (علیه‌السلام) در شهر کربلای معلی گفت: «هر کسی که می‌تواند سلاح به‌دست گیرد و توان مقابله با تروریست‌ها را دارد، برای مقابله با تروریست‌ها داوطلب شود؛ زیرا دفاع از عراق وظیفه ملی است. مرجعیت شیعه از تلاش‌های نیروهای مسلح عراق در مقابله با گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند و این گروه‌ها را به شجاعت و صبر و پایداری دعوت می‌کند؛ زیرا دفاع از عراق وظیفه ملی است و همه باید برای دفاع از عراق وارد عمل شوند. عراق با اوضاع بسیار خطرناکی روبه‌رو شده است، باید هوشیار باشیم که دفاع از عراق، مسئولیت ملی و دینی خطیری است؛ زیرا کشور و ملت عراق با چالش و خطری

بزرگ روبه‌رو شده‌اند و هدف حمله تروریست‌ها قرار گرفته‌اند، در نتیجه همه اقدار و طایفه‌های ملت عراق در معرض این حمله قرار دارند و همگی باید با صبر و استقامت و شجاعانه، سلاح در دست گیرند و با تروریست‌ها مقابله نمایند» (فارس، ۱۳۹۸).

دو روز بعد از فتوای جهاد کفایی مرجعیت عالی عراق و درحالی که داوطلبان زیادی (نزدیک به ۲,۵ میلیون نفر) برای عضویت در حشدالشعبی به محل‌های ثبت‌نام مراجعه کرده بودند، فالح فیاض، مشاور امنیت ملی عراق از تشکیل ساختاری با عنوان «مدیریت حشدالشعبی»^۱ به دستور نوری مالکی خبر داد که وظیفه آن، سازمان‌دهی تعداد انبوه نیروهای داوطلب جهاد بود (وکاله المدی، ۲۰۱۴). روز ۱۷ دسامبر ۲۰۱۴، حیدر اسدی سخنگوی حشدالشعبی اعلام کرد به دستور نخست‌وزیر، حیدر العبادی، هیئت مستقلی به نام حشدالشعبی تشکیل شده است (الجزیره، ۲۰۱۴).

گروه‌های مختلف مقاومتی که برای مبارزه با داعش ذیل ساختار حشدالشعبی سازمان‌دهی شدند، توانستند با اتکا به عوامل دینی، اعتقادی و انگیزشی، نقش مؤثری را در شکست پروژه داعش ایفا کنند. بسیج مردمی عراق (حشدالشعبی) که کارسازترین و مؤثرترین نیروی مقابله با پدیده شوم داعش بود، در حال حاضر به یک نیروی نظامی، امنیتی و اطلاعاتی کارآمد در عراق تبدیل شده است و به تدریج در حال ورود به عرصه سازندگی در این کشور می‌باشد. حشدالشعبی را می‌توان یک نیروی نظامی مردمی و عقیدتی در عراق دانست که در حال ایفای کارکردهای مهم و نقشی کانونی در تحولات نظامی و امنیتی این کشور به‌ویژه در جنگ با داعش و ثبات‌سازی پس از آن است.

اگرچه ساختار و تشکیلات کنونی حشدالشعبی مرهون فتوای مرجعیت است؛ اما پیش از این، نیروهای مردمی در قالب تشکل‌هایی مانند گردان‌های شهید صدر، متعاقباً در قالب سازمان بدر در راستای تأمین امنیت فعالیت می‌کردند بنابراین، ظهور داعش نقطه آغاز شکل‌گیری هسته‌های مقاومت در عراق به‌شمار نمی‌رود. تکوین حشدالشعبی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت عراق و یکی از ارکان نیروهای مسلح این کشور در سه مرحله صورت گرفته است.

- مراحل ماقبل: گروه‌های عراقی مبارز با نیروهای آمریکایی اشغالگر در عراق

۱. مدیریت حشد الشعبی

مرحله اول: ورود گروه‌های عراقی به سوریه با هدف دفاع از حرم حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) از ژانویه ۲۰۱۳؛

مرحله دوم: فتوای مرجعیت عالی عراق برای جهاد و تشکیل حشدالشعبی از ژوئن ۲۰۱۴ و

مرحله سوم: استقرار و قانون‌مندشدن حشدالشعبی در عراق از ۲۰۱۶.

پس از سقوط موصل در ژوئن ۲۰۱۴، صدها نیروی عراقی که نقش کلیدی در مهار بحران سوریه، به خصوص تأمین امنیت دمشق، ایفا می‌کردند برای مهار بحران داعش و دفع خطر از بغداد و اماکن مقدسه، به کشور خود بازگشتند (Bell, 2014). براساس گزارش‌ها تا ۱۷ ژوئن ۲۰۱۴ حدود ۱۰۰۰ نیروی عراقی برای نبرد علیه داعش از سوریه به عراق بازگشتند (Abi-Habib, 2014). در ۵ آذر ۱۳۹۵ هجری شمسی، قانون حشدالشعبی در پارلمان عراق به تصویب رسید و گام مهمی برای قانونی‌شدن این تشکیلات مردمی برداشته شد. متن قانون حشدالشعبی به شرح ذیل است.

«این قانون که طبق بند نخست ماده ۶۱ و بند سوم ماده ۷۳ قانون اساسی عراق تصویب شده، از ۱۱ ماده تشکیل می‌شود که به شرح ذیل است:

ماده اول: طبق قانون مذکور گروه‌ها و تشکیلات حشدالشعبی، مجموعه‌های قانونی هستند که ضمن برخورداری از حقوق خود، به‌عنوان نیروی پشتیبان نیروهای امنیتی عراق به وظایف خود متعهد هستند و تا زمانی که تهدیدی برای امنیت ملی عراق محسوب نشوند، حق حفظ هویت و ویژگی‌های خود را دارند.

ماده دوم: عناوین و نام‌ها برای تشکیلاتی که تحت‌عنوان گروه‌ها و تشکیلات حشدالشعبی مورد اشاره در ماده یک مشخص و از سوی کمیسیون امنیت و دفاع پارلمان، از طریق هماهنگی با دفتر فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق در سایه تدابیری که مستلزم آن است، تصویب می‌شود.

ماده سوم: در صورت وجود تهدیدهای امنیتی که مستلزم دخالت میدانی حشدالشعبی برای دفع و مهار آن باشد، گروه‌ها و تشکیلات وابسته به حشدالشعبی، مأموریت‌ها و فعالیت‌های نظامی و امنیتی خود را به درخواست و دستور فرمانده کل نیروهای مسلح عراق و از طریق هماهنگی با وی، انجام خواهند داد.

ماده چهارم: طبق این قانون گروه‌ها و تشکیلات حشدالشعبی، حق دارند از نیروی لازم استفاده کنند و آنچه را برای بازداشتن و دفع تهدیدهای امنیتی و تروریستی از عراق، هم‌چنین آزادی شهرها از چنگال گروه‌های تروریستی و حفظ امنیت و نابودی این گروه‌ها و هم‌دستان آن‌ها لازم است، انجام دهند.

ماده پنجم: در صورتی که تهدیدهای امنیتی عراق را هدف قرار دهند یا نیازهایی وجود داشته باشد که مستلزم باقی‌ماندن نیروهای حشدالشعبی در حالت آماده‌باش کامل برای دفع این تهدیدها باشد، دولت و پارلمان عراق ملزم هستند وسایل و نیازهای نظامی گروه‌های تشکیل‌دهنده حشدالشعبی و دیگر مستلزمات آن‌ها را برای انجام فعالیت‌های امنیتی و نظامی، تأمین کنند.

ماده ششم: افراد و وابستگان تشکیلات و گروه‌های تشکیل‌دهنده حشدالشعبی و شهدا، مجروحان و مفقودان آن‌ها، از همان حقوق و مزایای بازنشستگی و امتیازهای مشابه کارمندان وزارت دفاع و کشور عراق برخوردار می‌شوند.

ماده هفتم: در صورت استخدام نیروهای حشدالشعبی در شغل دیگری در چارچوب رسمی دولت، دوره حضور جهادی که نیروهای حشدالشعبی در مقابله با تهدیدهای تروریستی طی می‌کنند نیز، برای اهداف خدمات شغلی، ارتقا و بازنشستگی محاسبه می‌شود.

ماده هشتم: دفتر فرماندهی کل نیروهای مسلح و وزارت بهداشت براساس اختیارات خود ملزم به حفظ پرونده‌های مرکزی در بغداد هستند تا بدین صورت، وقایع و رویدادهای مربوط به خدمت جهادی گروه‌ها و تشکیلات حشدالشعبی و شهدا، مجروحان و مفقودان مناطق عملیات امنیتی در استان‌ها اثبات شود.

ماده نهم: پرونده‌های مرکزی مورد اشاره در ماده هفتم، مرجعیت قانونی اداری برای محدودیت‌های مطلوب در انجام قراردادهای مربوط به تثبیت و تصویب حقوق نیروها و شهدا، مجروحان و مفقودان گروه‌های تشکیل‌دهنده حشدالشعبی و تمام آنچه با اثبات صحت صدور اسناد مربوطه ارتباط دارد، به‌شمار می‌رود.

ماده دهم: شورای وزیران (دولت) دستورات لازم برای تسهیل مفاد این قانون را صادر می‌کند. ماده یازدهم: این قانون در روزنامه رسمی منتشر و از تاریخ ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴ اجرایی محسوب می‌شود.

دلایل تصویب: این قانون با هدف تأمین حمایت قانونی از گروه‌ها و تشکیلات حشدالشعبی که پوشش و مجوز قانونی را برای دخالت نظامی و مشروعیت‌بخشی به اقدامات آن‌ها در جریان درگیری با دشمن در مناطق جنگی است، فراهم می‌کند و برای سامان‌دهی اقدامات و قرار گرفتن این نیروها تحت نظارت دولت قانون، برای این که در آینده نزدیک یا دور به بهانه‌های مختلف اجازه هجمه به آن‌ها داده نشود و نیز برای سامان‌دهی اوضاع مالی و حقوقی آن‌ها، به تصویب رسید» (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵).

۴- انطباق‌پذیری حشدالشعبی با ابعاد و مؤلفه‌های امنیت مردم‌پایه

۴-۱- هنجارمندی

حشدالشعبی سازمانی است که براساس فتوای مرجعیت عالی عراق و با هدف مبارزه با دشمن تکفیری شکل گرفت. در جلسه‌ای که در مارس ۲۰۱۵ در بغداد برگزار شد، فرماندهان حشدالشعبی اهداف پنج‌گانه این ساختار جدید نظامی را به شرح ذیل اعلام کردند:

نبرد با داعش و بیرون‌راندن آن از خاک عراق؛

حفاظت از کشور؛


حفاظت از اماکن مقدس از جمله مساجد؛

آزادی مردم عراق و؛

کمک به عراقی‌هایی که توان جهاد ندارند (Duman, 2015).

بر این اساس «مرجع امنیت» یا اشخاص، گروه‌ها، پدیده‌ها و اماکنی که حشدالشعبی با هدف تأمین امنیت آن‌ها شکل گرفت عبارتند از اماکن مقدسه، مردم، تمامیت ارضی و حاکمیت عراق. «موضوع امنیت» نیز به دلیل ماهیت تهدید (داعش) عمدتاً از نوع سخت تعریف شد. آیت‌الله سیستانی مرجع عالی شیعیان عراق، نقش مهمی در هنجارسازی امنیتی داشتند و جایگاه برجسته ایشان بین اقشار و طوایف مختلف عراقی باعث شد هنجارسازی امنیتی در کوتاه‌ترین زمان ممکن صورت گیرد. نقش آیت‌الله سیستانی در هنجارسازی امنیتی فقط به بدو تأسیس حشدالشعبی باز نمی‌گردد و ایشان در ادامه نیز از حشدالشعبی، به شیوه‌های مختلف حمایت و سیر حرکت آن‌را تعیین کردند. به‌عنوان مثال آیت‌الله سیستانی درخصوص شهدای حشدالشعبی اعلام کردند:

«شهادت دفاع کفایی، حق بزرگی بر گردن همه ما دارند و جایگاه آنان والا و غبطه برانگیز است. از خداوند متعال مسألت دارم که آنها را با یاران امام حسین (علیه السلام) محشور کند» (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۸).

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 اِنَّ شَهَادَةَ الدِّفَاعِ الْكِفَايَةِ حَقٌّ عَظِیْمٌ عَلَیْنَا جَمِیْعًا
 وَ مَنَزَلَةٌ رَفِیْعَةٌ یَبْتَغُوْنَ عَلَیْهَا اِسْئَالَ اللّٰهِ تَعَالٰی
 اِنْ حَشِرْمُ مَعَ الصَّادِقِ الْحَسَنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ
 ۱۴۳۹/۵/۱۵


هنجارسازی آیت الله سیستانی در طول سال‌های گذشته کم و بیش ادامه داشته است. ایشان در خرداد ۱۳۹۵، دو سال پس از صدور فتوای تاریخی جهاد کفایی علیه داعش، در دیدار جمعی از دانشگاهیان عراق گفتند: «هنگامی که داعش به عراق هجوم آورد و به قتل و غارت و فساد پرداخت، من فتوای وجوب دفاع کفایی از جان مردم و مقدسات را ضدیگانگان دادم و این فتوا ضدبرادران اهل سنت ما نبود». ایشان در این دیدار تأکید کردند: «هنگامی که شما در الرمادی و سایر شهرها جهاد می‌کنید، همانا از برادران تان دفاع می‌کنید تا آنها را از داعش نجات دهید و در این شرایط شما فاتح نیستید، بلکه جان و خون خود را فدا می‌کنید تا برادران تان را در برابر خارجی‌ها یاری کنید». ایشان با بیان اینکه «در طول ده سال گذشته آیا کلمه‌ای از ما مبنی بر توهین به اهل سنت شنیدید؟» یادآور شدند: «هنگامی که فتنه و انفجارها و کشتار در اماکنی که شیعیان بودند رخ داد و حتی بعد از انفجار حرم عسکرین (علیهم السلام)، از من استفتا کردند، من گفتم با اهل سنت نجنکید، حتی اگر تمام شهرهای شیعه را نابود کردند؛ اخلاق ائمه و پیشوایان خود را به یاد داشته باشید که چگونه با کسانی که به آنها اهانت می‌کردند برخورد می‌کردند و چگونه بدی را با خوبی پاسخ می‌دادند؟» (روزنامه ایران، ۱۳۹۵).

آیت‌الله سیستانی در بهمن ماه ۱۳۹۳ نیز در فرمانی ۲۰ ماده‌ای از رزمندگان عراقی خواستند برای تحقق جهاد واقعی در نبرد با داعش، از حدود دستورات دین تجاوز نکنند. ایشان در بخشی از این فرمان تأکید کردند: «جنگ با مسلمانان سرکش و یاغی نیز آدابی دارد که از امام علی (علیه‌السلام) برای چنین روزهایی به دست ما رسیده است» (مشرق، ۱۳۹۳).

۴-۲- شبکه‌ای

حشدالشعبی به دلیل جذب نیرو از لایه‌های متنوع اجتماعی از سراسر عراق، یک ساختار شبکه‌ای محسوب می‌شود. تنوع نیروهای حشدالشعبی به لحاظ جغرافیایی، قبیله‌ای، عشیره‌ای و صنفی این امکان را فراهم کرده است که این نهاد بتواند با لایه‌های مختلف اجتماعی ارتباط برقرار کند. نفوذ شبکه‌ای حشدالشعبی ظرفیت‌های آن را در مقابله با تهدید و تولید امنیت بالا برده است. ساختار شبکه‌ای حشدالشعبی از ساختار بسیج ایران الگوبرداری شده است. عقیل حسینی یکی از مسئولین حشدالشعبی، این نهاد را ادامه بسیج ایران توصیف و اذعان کرده که بسیج عراق با استفاده از تجربه بسیج ایران تشکیل شده است. نوری مالکی نیز در مرداد ۱۳۹۴ در مصاحبه با خبرگزاری ابنا تصریح کرد: «ما در ساختار بسیج عراق، از بسیج ایران الگو گرفتیم» (تابناک، ۱۳۹۸).

۴-۳- مشارکت پایه

فتوای مرجعیت با استقبال گسترده‌ای از سوی مردم عراق از اقشار و طوایف مختلف مواجه شد و با استقبال و مشارکت گسترده مردم، این تشکیلات دفاعی-امنیتی شکل گرفت. علی‌رغم وجود تهدید بالفعل و رعب‌آوری مانند داعش و ریسک بالایی که عضویت در این تشکیلات به همراه داشت، این حد از مشارکت نیروهای داوطلب مردمی قابل توجه است. در حال حاضر حدود ۴۰ گروه و جریان کوچک و بزرگ در حشدالشعبی حضور فعال و جدی دارند. بدنه نظامی حشدالشعبی را عمدتاً شیعیان عراق تشکیل می‌دهند؛ اما برخی عشایر سنی عراق از استان‌های صلاح‌الدین، نینوی و الانبار و نیز گُردهای فیلی و مسیحیان عراقی نیز به آن ملحق شده‌اند (الوقت، ۱۳۹۴). معروف‌ترین

انتخابات و طرح آشتی ملی اعلام کرد. هم‌چنین پارلمان و شوراهای استانی را مردود دانست و ورود به این شوراها را حرام اعلام کرد. از نظر داعش، اعضای این شوراها مسلمانان مرتد بوده و عضویت در این شوراها فقط با تصویب و تأیید قانون اساسی کفرآمیز امکان‌پذیر است. در زمینه کنش سیاسی، جریان سلفی هر اقدام سیاسی که به اشغال‌گری مشروعیت داده یا ایجادکننده زمینه برای تحقق اهداف یا اجرای نقشه‌های آنان باشد، مردود می‌داند. تئورسین‌های داعش هر نوع اقدام سیاسی که بدون توجه به دغدغه‌های اصلی مردم عراق باشد؛ از جمله پایان اشغالگری، آزادی تمامی زندانیان از زندان‌های اشغالگران و دولت فرقه‌گرای شیعی، رفع ظلم و ستم و ایجاد عدالت مطرح را بی‌معنا دانسته و در زمینه قانون اساسی معتقد بودند چون قانون اساسی عراق تحت حاکمیت حکومت دست‌نشانده تصویب شده است، مشروعیت ندارد. جریان‌های سلفی با تکیه بر عامل مذهب و تفکر خود مبتنی بر قرارداد شیعیه در برابر سنی، دولت شیعی عراق را دولتی فرقه‌گرا می‌خواندند و روی کارآمدن این دولت فرقه‌گرا و طایفه‌ای را از تبعات اشغال عراق توسط آمریکا می‌دانستند. از نظر رهبران داعش دولت عراق به‌مثابه یک غده سرطانی، گریبان‌گیر ملت شده است و نابودی مردم و کل موجودیت عراق را هدف قرار داده است. داعش، دولت عراق را به‌رغم حضور وزرایی از اهل سنت در آن، غیرقانونی می‌دانست و اعلام کرد اهل سنت حاضر در دولت، هیچ توانی برای مقابله با این افراد طایفی و فرقه‌گرا ندارد (الرواشدی، ۲۰۱۲).

حزب بعث به‌عنوان متحد داعش نیز در بیانیه خود به مناسبت تحولات عراق، کل بندهای قانون اساسی طایفی را مردود اعلام نمود، زیرا قانون اساسی بر مبنای تبعیض و طایفه‌گرایی شکل گرفته است. تغییر حاکمیت طایفی با بقای قانون اساسی موجود هرگز ممکن نخواهد بود (موقع ذیقار، ۲۰۱۴). از نظر آن‌ها انتخابات پارلمان، مجالس استانی و هر آنچه که در سایه اشغالگر رخ می‌دهد، باطل است (موقع القيادة العليا للجهاد و التحرير، ۲۰۰۷). داعش و بازماندگان حزب بعث در مخالفت با حاکمیت دولت عراق با یکدیگر اشتراک نظر داشتند (Harris, 2014).

تخریب اماکن مقدسه مسلمانان به‌ویژه شیعیان، تکفیر سایر فرق و مذاهب اسلامی، فتوای کشتار شیعیانی که به‌زعم داعش توبه نکرده و به آیین داعشی‌ها نپیوسته‌اند، به تعیین مرزهای دقیق و ظهور شکاف عمیق بین عناصر داعش و سایر مردم عراق تبدیل شد بنابراین، با رشد و گسترش تروریسم و جریان‌های تکفیری در عراق، هویت مقاومت که تا پیش از این براساس غیریت

اشغالگران آمریکایی به وجود آمده بود، توسط غیریت نوظهور دیگری تقویت شد. تهدید جان، مال، ناموس، مقدسات، حاکمیت ملی و حق تعیین سرنوشت ملت عراق، تعداد زیادی از مردم این کشور را حول هویت ویژه‌ای جمع و برای مبارزه با عامل این تهدید (غیریت) بسیج کرد. در جمع‌بندی این بخش براساس مطالب مطرح شده، می‌توان گفت همه طوایف دینی از شیعه، سنی، مسیحی و همه قومیت‌ها از عرب، کرد و ترکمن، در این نهاد مردم‌پایه که اساس آن برمبنای فتوای مرجع عالی قدر حضرت آیت‌الله سیستانی شکل گرفت، حضور دارند و این یعنی اینکه کشور عراق امنیت خود را مدیون مرجعیتی است که فتوای آن تمام معادلات را برهم‌زد و تأثیری قوی در جامعه عراق گذاشت و طوایف مختلف آن‌را برای دفاع از وطن بسیج کرده و نیروهای مردمی را وارد مبارزاتی کرد که قرار بود چهره تاریخ و اسلام را تغییر دهند که تکفیری‌ها، با جنایات شرم‌آور خود به دنبال بدنام کردن آن بودند.

نتیجه‌گیری

تحقق امنیت از طریق مردم، یکی از مؤثرترین و کارآمدترین راه‌های مقابله با تهدیدات و تولید امنیت است. در امنیت مردم‌پایه، مردم به اصلی‌ترین کارگزاران تولید امنیت تبدیل می‌شوند و دستگاه‌های امنیتی دولتی می‌توانند با استفاده از این ظرفیت عظیم، ضمن به حداقل رساندن تهدیدات، امنیت را در سطح مطلوبی برقرار کنند. تحقق امنیت مردم‌پایه به دو بعد «سرمایه اجتماعی» و «هویت اجتماعی» وابسته می‌باشد. بعد سرمایه اجتماعی چهار مؤلفه «هنجارمندی»، «شبکه‌ای»، «اعتماد‌پایه» و «مشارکت‌پایه» و بعد هویت اجتماعی نیز دو مؤلفه «هویت‌پایه» و «غیریت‌پایه» دارد.

امنیت مردم‌پایه که در مقابل امنیت رژیم‌پایه یا دولت‌محور تعریف می‌شود، الزاماً امنیتی هنجارمند است؛ یعنی بر پایه هنجارها و ارزش‌های مشترک شکل می‌گیرد و نیازمند توافق عمومی در مورد برخی هنجارها و ارزش‌ها می‌باشد. این نوع از امنیت، امنیتی شبکه‌ای است؛ به این معنی که در نتیجه کنش هماهنگ و شبکه‌مند افراد جامعه محقق می‌شود. هم‌چنین امنیت مردم‌پایه نیازمند حد مطلوبی از اعتماد مردم به یکدیگر و به نهادهای دولتی و مشارکت مؤثر آن‌ها در فرایندهای تولید امنیت می‌باشد. در بُعد هویت اجتماعی، امنیت مردم‌پایه در اثر تعیین‌یافتگی و

تشخص یافتگی گروه خودی و غیرخودی و تبلور هویت جمعی و فاصله‌گذاری و تمایز از غیریت‌ها تبلور پیدا می‌کند. بدون عینیت یافتن غیریت‌ها، تهدیدها از منظر فاعل امنیتی، تهدید قلمداد نخواهد شد و مرجع امنیت در معرض خطر جدی قرار خواهد گرفت.

حشدالشعبی عراق به‌عنوان نهادی مردمی که در پی فرمان جهاد کفایی مرجعیت عالی عراق، آیت‌الله سیستانی و با هدف اولیه دفع تهدید داعش تشکیل شد، به‌دلیل برخورداری از حد قابل قبولی از سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی، نقش مهمی در مردمی کردن امنیت در عراق داشته است. این نهاد با اتکا به سرمایه اجتماعی قابل توجه و هویت اجتماعی منسجم، توانست با تهدید بالفعل داعش به‌عنوان اصلی‌ترین غیریت عینیت یافته که مراجع اصلی امنیت در عراق را با خطر جدی مواجه کرده بود، به‌طور مؤثری مقابله نماید. کارآمدی حشدالشعبی در تولید امنیت زمانی قابل فهم و درک می‌شود که کارکرد آن با کارکرد سایر نهادهای دفاعی و امنیتی عراق مقایسه شود. اساساً اگر ساختارها و سازوکارهای امنیت دولت‌محور در عراق پاسخ‌گوی نیازهای امنیتی این کشور بودند، تشکیل یک نهاد مردم‌پایه هنجارمند و شبکه‌ای ضرورتی پیدا نمی‌کرد.

حشدالشعبی علاوه بر آنکه مردم را به‌عنوان کارگزاران دفع تهدید و تولید امنیت وارد میدان کرد، تعریف جدیدی از موضوع امنیت و مرجع امنیت ارائه کرد. برخلاف بسیاری از رژیم‌های امنیتی که در آن، منافع افراد، گروه‌ها، جریان‌های سیاسی، الیگارشسی حزبی یا دولتی و حتی بازیگران خارجی به‌عنوان مرجع امنیت تعریف می‌شوند، حشدالشعبی، مقدسات دینی، مردم، حاکمیت و تمامیت ارضی عراق را به‌عنوان مرجع امنیت و منافع ملت و کشور عراق را به‌عنوان موضوع امنیت معرفی کرد و در مسیر تحقق امنیتی که مردم اصلی‌ترین بهره‌بردار آن بودند حرکت کرد از این‌رو، حشدالشعبی علاوه بر جریان‌های تروریستی تکفیری، آمریکا، اسرائیل و نظام‌های مرتجع را به‌عنوان غیریت خود تعیین کرده است؛ زیرا این غیریت‌ها همگی علیه منافع ملی، حق تعیین سرنوشت ملت و حاکمیت و تمامیت ارضی عراق عمل می‌کنند. بدیهی است اگر حشدالشعبی بخواهد کماکان در چارچوب مرجع امنیت و موضوع امنیت تعیین شده کنش‌گری کند، نباید خود را به حوزه سخت و نیمه‌سخت محدود نماید؛ زیرا در دوران پساداعش، مرجع امنیت و موضوع امنیت موردنظر حشدالشعبی در حوزه‌های نرم در معرض تهدید جدی قرار گرفته است.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که مخالفان داخلی و خارجی حشدالشعبی برای حذف، کم‌اثر و ناکارآمد کردن این نهاد مردمی، بر تخریب ارکان آن متمرکز شده‌اند. تصغیر و تحقیر نظام هنجاری و فشار بر عوامل و بازیگران هنجارساز، محدود کردن تحرک شبکه‌ای در سطوح مختلف، ازاله اعتماد مردم به حشدالشعبی و کاهش تمایل مردم به مشارکت در فعالیت‌های آن و کم‌رنگ کردن و درنهایت محو خطوط هویتی و غیریتی، از جمله اقدامات مخالفان در راستای حذف یا استحاله حشدالشعبی است.

فهرست منابع

- آردی، مک‌کین (۱۳۸۹)، امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- آزاد، امیرحامد (۱۳۹۵)، سایه‌روشن حشدالشعبی، تهران: مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور.
- ازکیا، مصطفی؛ دریان آستانه، علیرضا (۱۳۸۹)، روش کاربردی تحقیق، تهران: انتشارات کیهان.
- احمدی‌مقدم، اسماعیل (۱۳۹۵)، مدیریت جهادی و امنیت مردم نهاد در عرصه امنیتی، فصل‌نامه آفاق امنیت، سال ۹، شماره ۳۲، پائیز.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۴)، الگوی امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه آفاق امنیت، سال ۸، شماره ۲۶، بهار.
- اسماعیلی، محسن؛ طحان نظیف، هادی (۱۳۸۷)، تحلیل ماهیت نهاد سیاست‌های کلی نظام در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجله معارف اسلامی و حقوق، ش ۲۸، پاییز و زمستان.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۳)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ نهم، تهران: نشرنی
- تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۵)، اعتماد، دموکراسی، توسعه، تهران: نشر شیرازه.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه: محمدتقی دلفروز، انتشارات وزارت کشور.
- الجزیره (۲۰۱۴)، هیئۀ رسمیۀ لالحشد الشعبی فی العراق:
<http://www.aljazeera.net/news/arabic/2014/12/17>
- الرواشدی، عبدالرحمن سلوم (۲۰۱۲)، الجهاد العالمی، تاصیل و تفعيل، قراءه فی اعلام الجهادی فی العراق، المشرف العام علی وکاله حق اخباریه،
- <http://www.haqnews.net/SaveNews.aspx?id=19530>
- الوقت (۱۳۹۴)، حشدالشعبی (نیروی بسیجی عراق) چرا و چگونه شکل گرفت؟ ۵ آذر ۱۳۹۴، قابل دسترسی در:
<http://alwaght.com/fa/news/2/274>
- تابناک (۱۳۹۸)، در مورد حشدالشعبی، قابل دسترسی در:
<https://www.tabnak.ir/fa/tags/20134>
- جوادی ارجمند، محمدجعفر؛ توکلیان، محسن؛ قمریان نصرآبادی، ناهید (۱۳۹۳)، بررسی نقش هویت قومی بر امنیت پایدار: مطالعه موردی منطقه کردستان ایران (قومیت کرد)، فصل‌نامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۱، زمستان.
- حبیب‌زاده ملکی، اصحاب (۱۳۸۳)، مدیریت راهبردی روابط عمومی، هنر هشتم، ش ۳، پاییز.
- تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۵)، اعتماد، دموکراسی، توسعه، تهران: نشر شیرازه.
- خبرگزاری مهر (۱۳۹۵)، متن قانون حشد الشعبی عراق با ۱۱ ماده منتشر شد، قابل دسترسی در:
<https://www.mehrnews.com/news/3834631>

- خبرگزاری فارس (۱۳۹۸)، فتوای بی سابقه آیت الله علیه تکفیر، حشدالشعبی چگونه شکل گرفت، قابل دسترسی در:
<https://www.farsnews.com/news/13980325000460>
- دغاغله، عقیل (۱۳۸۶)، نسبت سنجی هویت های اجتماعی و الگوهای هویت یابی در جهان امروز، راهبرد، شماره ۴۵، پاییز.
- روزنامه ایران (۱۳۹۵)، توصیه آیت الله سیستانی به وحدت مسلمانان عراق: فتوای من علیه داعش بود نه اهل سنت، شماره ۶۲۳۸، مورخ ۱۳۹۵/۳/۲۶.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۲)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فاین، بن (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی، ترجمه سیدمحمدکمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۴) عصر اطلاعات؛ قدرت هویت، ترجمه علی پایا، تهران: طرح نو.
- کاوسی، اسماعیل؛ طلوعی اشلقی، عباس (۱۳۸۶) ابعاد، مؤلفه ها و شاخص های اندازه گیری سرمایه اجتماعی، پژوهش نامه سرمایه اجتماعی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۴)، جهانی شدن، فرهنگ، هویت، چاپ ششم، تهران: نشر نی.
- مشرق (۱۳۹۳)، ۲۰ فرمان آیت الله سیستانی به رزمندگان برای جنگ با داعش، قابل دسترسی در:
<https://www.mashreghnews.ir/news/389689/20>
- مک سوینی، بیل (۱۳۹۰)، مقدمه ای بر جامعه شناسی امنیت، ترجمه محمدعلی قاسمی و محمدرضا آهنی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- موقع القيادة العليا للجهاد و التحرير (۲۰۰۷)، المؤتمر التأسيسي،
http://hcjl.ws/ar/?page_id=6
- موقع ذیقار (۲۰۱۴)، بیان جیش رجال نقشبندیه لاشعار شعبنا العراقي الابی و شعوب العلم لما یجری فی العراق:
- www.dhiqar.net/art.php?Id=41021
- وكالة المدى (۲۰۱۴)، الفیاض یعلن تشکیل مديرية الحشد الشعبی و ینفی دخول قوة من فیلق القدس الإیرانی إلى العراق:
- <http://www.almadapress.com/ar/news/32602/>
- Abi-Habib, Maria (2014) Shiite Militias Decamping From Syria to Fight in Iraq, Wall Street Journal, June 17, 2014,
- <http://www.wsj.com/articles/shiite-militias-decamping-from-syria-to-fight-in-iraq-1403051977>.
- abna (2014) Four Thousand Defenders Enter the Zeinab Shrine from Iraq, Ahlul-Bayt News Agency, June 25, 2014,
- <http://www.abna.ir/persian/service/middle/archive/2014/06/15/616256/story.html>
- Bell, Theodore (2014) Increased Rebel Unity Threatens Assad In Damascus And Southern Syria, Institute for the Study of War, October 28, 2014,

- http://www.understandingwar.org/sites/default/files/Theo_Damascus_Background.pdf; Maria Abi-Habib, Shiite Militias Decamping From Syria to Fight in Iraq, Wall Street Journal, June 17, 2014,
- <http://www.wsj.com/articles/shiite-militias-decamping-from-syria-to-fight-in-iraq-1403051977>.
- Duman, Bilgay (2015) A new Controversial Actor in Post – ISIS Iraq: Al-hashd Al-shaabi (the popular mobilization forces), ORSAM Report No:198, ISBN: 978-605-9157-01-8:
- http://www.orsam.org.tr/en/enUploads/Article/Files/2015527_198raporengweb.pdf
- European politics (2002) Traditional versus societal security and the role of securitization, southeast European politics, june 2002, vol 3, no.1, pp.71-76.
- Harris, Shane (2014) The Re-Baathification of Iraq, foreignpolicy, available at:
- <https://foreignpolicy.com/2014/08/21/the-re-baathification-of-iraq/>
- Putnam, Robert D. (2000) Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community, New York: Simon & Schuster.

